

قدرت اجتماعی

بامعه شناسی سه

پایه نوازی همی

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس ششم

YABANDEH

۶

انسان همواره سه گانهٔ **قدرت، ثروت و دانش** را ارزش های واسطه ای و پیش نیازهای دستیابی به **سعادت و کمال حقیقی** می دانست، از این رو همهٔ آنها را خوب و خیر می دید، ولی وقتی عملکرد آنها را در دستیابی به سعادت، با یکدیگر مقایسه می کرد، معمولاً **دانش را کاملاً مثبت** (خیر و خوب)، **ثروت را خاکستری** (نه خوب و نه بد) و **قدرت را بیشتر منفی** (بد) ارزیابی می کرد. اما در دورهٔ اخیر، در گوشه ای از دنیا، برخی مدعی شدند، **همین ارزیابی های اخلاقی و نگاه وسیله ای به قدرت و ثروت**، دست و پا گیر بوده و مانع توسعهٔ آنها شده است. پس از آن، قدرت و ثروت دیگر مورد داوری اخلاقی قرار نگرفتند تا با توسعه و گسترش آنها، زمینهٔ **آسایش و آرامش بشر** فراهم شود. دانش نیز به علوم تجربی (ابزاری) محدود شد و برای نیل به همان هدف به خدمت گرفته شد. اما دیری نپایید که در کنار نتایج خیره کننده و شگرف توسعهٔ قدرت و ثروت، پیامدهای دیگری همانند فقر، نابرابری، سرکوب، شدیدی برانگیخت.

نخستین واکنش به ثروت نشان داده شد. ثروت دیگر نه یک امر خنثی (نه خوب و نه بد) بلکه **ریشهٔ بسیاری از ظلم ها و شرارت ها** قلمداد شد و **مالکیت، دزدی** خوانده شد.

واکنش شدید بعدی به دانش نشان داده شد و خوش بینی به دانش نیز مورد تردید جدی قرار گرفت تا پیش از این، منازعات بر سر قدرت و ثروت را به قضاوت دانش می سپردند ولی حالا دیگر، خود دانش نیز مورد نزاع و کشمکش بود؛ یعنی **دانش دیگر راهنمای ما به سوی سعادت نبود بلکه، به همراه قدرت و ثروت، رو به تاریکی و ظلمت می نهاد.**

این گونه بود که ارزش هر سه مزیت قدرت، ثروت و دانش مورد شک و تردید بنیادی قرار گرفت. در چنین شرایطی، بشر صرفاً به **فایده و لذت ناشی از این مزایا** بسنده کرد

سوالاتی که با توجه به اسلاید قبل باید بتوانید به آن ها پاسخ دهید .

- ۱- ارزش های واسطه ای و پیش نیاز های دستیابی به سعادت و کمال حقیقی کدامند ؟
- ۲- چرا انسان ها در طول تاریخ ثروت ، قدرت و دانش را خوب و خیر می دانستند ؟
- ۳- در گذشته ، مقایسه عملکرد سه گانه قدرت، ثروت و دانش در دستیابی به سعادت ، انسان ها را به چه نتیجه ای می رساند ؟
- ۴- انسان ها در طول تاریخ از کدام ملاک برای مقایسه داوری اخلاقی (سه گانه قدرت، ثروت و دانش) استفاده می کردند؟
- ۵- چرا در دوران اخیر، داوری اخلاقی در مورد سه گانه ثروت، قدرت و احترام کنار گذاشته شده است ؟
- ۶- چه عاملی باعث شد واکنش های شدیدی به سه گانه ثروت، قدرت و دانش صورت گیرد؟
- ۷- در دوران اخیر، نخستین واکنش شدید به کدام سه گانه ثروت، قدرت و احترام صورت گرفت؟
- ۸- با ظهور پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند چه واکنشی به ثروت صورت گرفت ؟
- ۹- با ظهور پیامدهای ناخواسته و ناخوشایند، چه واکنشی به دانش صورت گرفت ؟
- ۱۰- پس از ایجاد شک و تردید نسبت به سه مزیت قدرت، ثروت و دانش، بشر چگونه واکنش نشان داد ؟



نکاتی در مورد قدرت

هرگاه موجودی بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است.

انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می دهد، کنشگری قدرتمند است .

قدرت فردی انسان محدود است و نمی تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده کند و برای تأمین برخی از نیازهای اولیه زندگی خود، به کمک دیگران احتیاج دارد.



نکاتی در مورد قدرت اجتماعی

اگر انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و اراده و کار ارادی آنان را به خدمت بگیرد، قدرت اجتماعی پیدا می شود.

کسانی که در زندگی توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند.

علاوه بر افراد، نهادها، سازمان ها، جوامع و... نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت اجتماعی، بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی آید.

ما با قدرت بدنی خود فقط میتوانیم بر جسم دیگران اثر بگذاریم.
اما اگر از کسی بخواهیم فعالیت ارادی خود را مطابق اراده و میل ما انجام دهد،
تنها راه، **جلب تبعیت** اوست.

تبعیت اراده یک انسان از انسان دیگر، به دو صورت می تواند باشد

تبعیت با رضایت

وقتی است که شخصی با
میل درونی
مطابق اراده دیگری عمل کند.

تبعیت با کراهت

وقتی است که تبعیت ناشی از
تهدید و ترس
باشد.

چه قدرتی دارای مقبولیت می باشد ؟

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با **رضایت طرف مقابل** به دست می آید دارای مقبولیت است.

قدرتی که با اکراه طرف مقابل انجام می شود تا چه زمانی می تواند تداوم داشته باشد؟

تا زمانی که فرد دارای **قدرت رسمی** می باشد .

چه قدرتی دارای مشروعیت می باشد؟

زمانی که قدرت براساس یک **نظام عقیدتی و ارزشی خاص** اعمال شود.

قدرت

قدرت دارای مشروعیت

مدار مشروعیت،
حق و باطل بودن است.

قدرت دارای مقبولیت

مدار مقبولیت،
خواست و اراده کسانی است
که قدرت بر آنها اعمال می شود.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می توانند با هم باشند و در برخی موارد نیز جدا از یکدیگر باشند.

چه زمانی اقتدار و قدرت هم مشروعیت دارد و هم مقبولیت؟

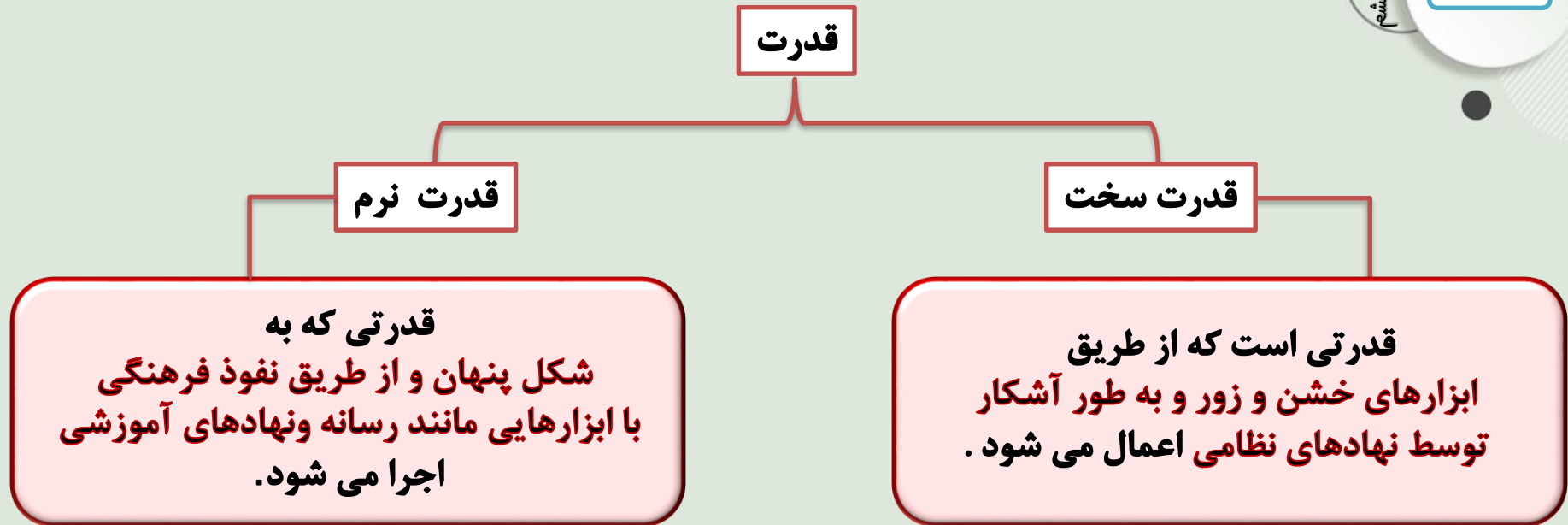
هنگامی که قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از قانون نیز با رضایت و میل همراه باشد.

چه زمانی اقتدار و قدرت مقبولیت دارد اما مشروعیت ندارد؟

هنگامی که قدرت بر خلاف حکم و قانون الهی باشد ولی تبعیت از قدرت از روی احساس رضایت باشد.

آیا در جامعه ای که فرهنگ عمومی مردم، دینی باشد، قدرت نامشروع می تواند مقبولیت داشته باشد؟

خیر - زیرا در جامعه دینی قدرتی که بر خلاف حکم خداوند باشد با رضایت اجرا نمی شود.



□ در گذشته این **قدرت سخت** یک کشورها بود که موجب سلطه بر سایر کشورها می شد، اما **امروز** این **قدرت نرم** است که سبب نفوذ از درون و استیلای فرهنگی می شود.

یکی از ابزارهای اعمال قدرت نرم در سطح کلان، **نظام آموزشی** کشورهاست.



عملکرد نظام آموزشی به عنوان یکی از ابزارهای اعمال قدرت نرم را توضیح دهید ؟

یک کشور می تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور ، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان بینی نسل های آینده ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد .



تفاوت نبرد بین دولت ها ، در گذشته با امروزه

در گذشته نبردهای بین دولت ها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی بود و رسانه ها آن را منتشر می کردند ، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می گیرد و درگیری های نظامی اگر اتفاق بیفتد در ادامه ی جنگ فرهنگی رخ می دهد..



آیا کنشگران فردی می توانند نسبت به دولت ها از قدرت تاثیر گذاری بیشتری برخوردار باشند؟
چرا امروزه کنشگران فردی می توانند جریان ساز شوند؟

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از **شبکه های اجتماعی**، **ارتباطات اجتماعی گسترده ای** در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولت ها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی ها ستاره های هنری و ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می توانند جریان ساز شوند.

چه زمانی سلطه بر دیگران بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می گیرد؟

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود

منظور از سلطه «هژمونی» چیست؟

سلطه هژمونیک از شیوه ها و ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می کند .
مثلا: رسانه های آمریکایی، اسلام هراسی را به عنوان شیوه ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می برند، تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراه سازند.

سیاست چیست؟

اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدف را سیاست می نامند .



سیاست چه رابطه ای با قدرت دارد؟

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می آید.

هر جهان اجتماعی آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

منظور از نظام سیاسی چیست؟

مجموعه‌ی سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جهان اجتماعی وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جهان اجتماعی،
 نظام سیاسی نمی تواند مستقل از نظام های دیگر (نظام فرهنگی، اقتصادی و...)
 باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می گیرد. نظام سیاسی، بر
 نظام های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می گذارد و از آنها نیز تأثیر می پذیرد.



ملاک تقسیم بندی نظام های سیاسی

تقسیم بندی براساس
تعداد افراد تأثیرگذار

نظام ها یی که در آن یک فرد حاکم است و تصمیم می گیرد.

نظام ها یی که در آن اقلیتی تصمیم گیرنده هستند .

نظام ها یی که در آن اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند .

تقسیم بندی براساس
روش تصمیم گیری

حاکم یا حاکمان براساس خواسته ها و اغراض و میل خود تصمیم می گیرند .

حاکم یا حاکمان بر مدار حقیقت و فضیلت و با موازین عقلی، تصمیم می گیرند.

تقسیم بندی براساس
دین داری یا دنیا مداری

نظام سیاسی دینی که بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می یابد.

نظام سیاسی سکولار که فقط ارزش ها و آرمان های دنیوی را مدنظر دارد .

ارسطو

از دو ملاک اول و دوم (کمیت افراد تاثیرگذار و روش تصمیم گیری) برای دسته بندی نظام های سیاسی استفاده می کند و از شش نوع حکومت نام می برد.

بر اساس خواست و میل افراد	بر اساس فضیلت	شیوه حکومت / تعداد حاکمان
تیرانی (استبدادی)	موناشری	فرد
الیگارشی	اریستوکراسی	اقلیت
دموکراسی	پولیتی (جمهوری)	اکثریت

ارسطو چه نوع حکومتی را دموکراسی می نامد؟ چرا؟

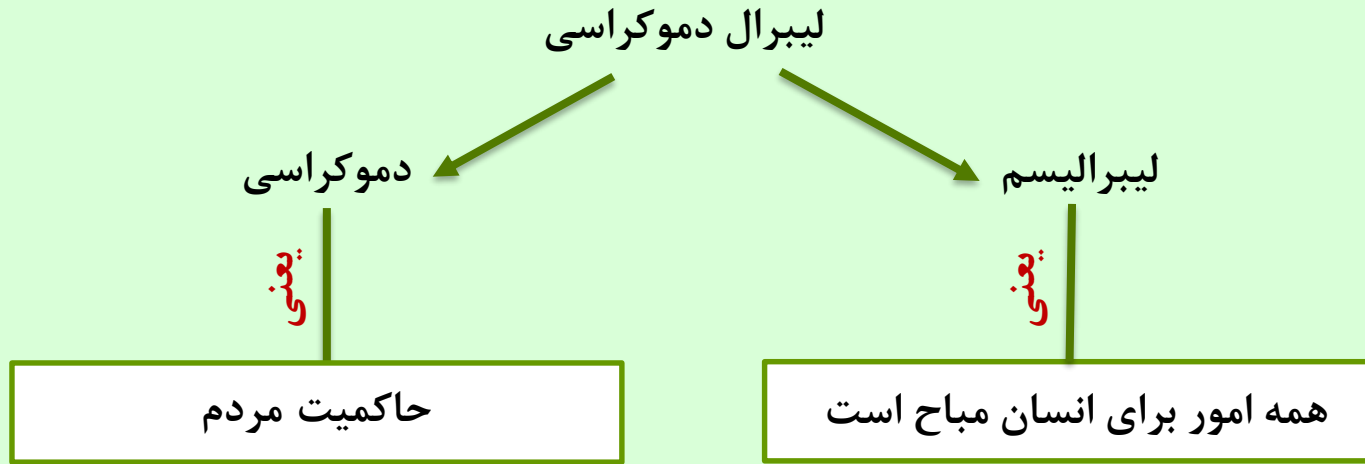
ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته های آنها باشد، دموکراسی می نامد. زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم بر اساس خواسته ها و تمایلات خود حکومت می کنند.

ارسطو چه نوع حکومتی را جمهوری می نامد؟

ارسطو، حکومتی را که در آن اکثریت مردم بر اساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری (پولیتی) می خواند.

□ بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت قائل می شود .

لیبرال دموکراسی چگونه نظامی است ؟



نوعی نظام سیاسی است که ادعا می کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می یابد.



نکاتی در مورد نظام لیبرال دموکراسی

این نظام سیاسی، هیچ حقیقت و فضیلت فطری و جهان شمولی را به رسمیت نمی شناسد .

حکومتی دنیوی و این جهانی است.

این نظام سیاسی با فرهنگ جهان غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

❖ آیا در اندیشه لیبرال دموکراسی می توان از مشروعیت حقیقی سخن گفت؟ چرا؟

خیر - زیرا مدار مشروعیت حق و باطل است اما در اندیشه لیبرال دموکراسی همه امور برای انسان مباح است حتی اگر حق نباشد .

جمهوری اسلامی چگونه نظامی است ؟

جمهوری اسلامی

اسلامی

جمهوری

توجه

توجه

فعالیت مردم و نهادها بر مبنای عقاید و ارزش های اسلام سازمان پیدا می کند.

حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی را به رسمیت می شناسد.

نوعی نظام سیاسی است که در جهان اسلام مورد توجه امت اسلامی قرار گرفته است .

جمهوری اسلامی

نکاتی در مورد نظام جمهوری اسلامی

در نظام اسلامی، احکام و مقررات با خواست مردم و در ذیل اراده و مثبت خداوند شکل می گیرند.

در این دیدگاه عقل و وحی دو وسیله شناخت ارزش های الهی و احکام الهی و احکام و مقررات اجتماعی هستند و انسان ها مسئولیت شناخت و اجرای آنها را به عهده دارند.

کنش سیاسی و استفاده از قدرت با دو هدف صورت می گیرد :

حفظ نظام و وضع سیاسی موجود

یعنی

پیش گیری از تغییر

تغییر نظام و وضع سیاسی موجود

یعنی

ایجاد وضعیت بهتر



چند نکته مهم

مهم ترین هدف انسان در زندگی دست یابی به فضیلت های انسانی و سعادت همگان است.

فضیلت های انسانی در «زندگی خوب» و «جامعه خوب» به دست می آید .

فعالیت های سیاسی باید در جهت دسترسی به جامعه خوب برای دست یابی به فضیلت های انسانی و سعادت باشند.

امور سیاسی **اموری خنثی** نیستند و مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا نکوهش انسان ها قرار می گیرند .



امور سیاسی خنثی نیستند یعنی چه ؟

امور سیاسی، مورد تأیید یا رد، انتخاب یا طرد، ستایش یا مذمت انسان ها قرار می گیرند ، و براساس ملاک خوبی و بدی از انسان ها اطاعت، وفاداری، تصمیم و قضاوت می خواهند .

□ برای قضاوت صحیح درباره امور سیاسی باید معیارهای حقیقی خوب یا خیر را بشناسیم.

□ شاید در عمل، حل برخی از تعارض های ارزشی و تشخیص خوب از بد دشوار باشد اما این امر را نمی تواند بهانه ای برای دست کشیدن از شناخت معتبر دانست و ادعا کرد که داوری عقلانی و علمی میان کنش های سیاسی و نظام های سیاسی مختلف (تشخیص خوب از بد) ناممکن است .

آیا می توان نتایج حاصل از مطالعه طبیعت را به همه مکان ها و زمان ها تعمیم داد؟

بله - طبیعت یک نظم جهان شمول دارد یعنی قوانین طبیعت در هر مکان و زمانی یکسانند پس نتایج مطالعه بر روی طبیعت در هر زمان و مکانی می تواند به تمامی مکان ها و زمان ها تعمیم داده شود .

آیا می توان نتایج حاصل از مطالعه یک جامعه را به همه جوامع تعمیم داد؟

خیر - مثلا ما نمی توانیم نتایج حاصل از مطالعه جوامع غربی را به جوامعی که با جهان غرب متفاوت هستند تعمیم دهیم.

برای پیشگیری از اشتباه « تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به همه جوامع » چه باید کرد؟

باید سایر جوامع و فرهنگ ها را نیز مطالعه کنیم .

آیا مطالعه سایر جامعه و فرهنگ ها مسئله « تعمیم نتایج مطالعه یک جامعه به همه جوامع » را حل می کند ؟

خیر- در این صورت هم ممکن است مرتکب خطای دیگری شویم و آن این است که در مطالعه سایر جوامع و فرهنگ ها به **معانی فرهنگی** آن ها توجه نکنیم و آن ها را از منظر غرب مطالعه کنیم و معنای پدیده های اجتماعی در آن فرهنگ ها را به درستی دریافت نکنیم .

برای پیشگیری از « عدم توجه به معانی فرهنگی جوامع » چه باید کرد ؟

باید بکوشیم سایر جوامع و فرهنگ های دیگر را از منظر خودشان مطالعه کنیم یعنی با رویکرد تفسیری به بررسی آن ها بپردازیم .

استفاده از رویکرد تفسیری در مطالعه جوامع با چه اشکالاتی مواجه است ؟

- ۱- تعدد و تنوع فرهنگ ها و جوامع معاصر و قدیمی، علوم اجتماعی را درگیر مطالعات پایان ناپذیر و تمام نشدنی می سازد.
- ۲- فرهنگ های مختلف معمولاً به مرزهای خودشان محدود نمی مانند و ما را ناگزیر از مقایسه ارزش ها برای تشخیص ارزش های صحیح از ارزش های غلط می سازند.
- ۳- اگر علوم اجتماعی برای مطالعه هر فرهنگ مجبور باشد که آن فرهنگ را فقط از منظر مردمی که آن را پذیرفته اند، ببیند و بررسی کند، امکان مقایسه و داوری فرهنگ ها و ارزش ها از دست می رود.

جامعه شناسی تبیینی چگونه قدرت را مطالعه می کند ؟

جامعه شناسی تبیینی با منحصر کردن معنای علم به دانش آزمون پذیر و تجربی، ارزش های انسانی را از دایره مطالعه علمی بیرون می راند و از این رو با ارزش زدایی و معنازدایی از قدرت، آن را به عنوان یک پدیده فاقد معنا و خنثی مورد مطالعه قرار می دهد.

جامعه شناسی تفسیری چگونه قدرت را مطالعه می کند ؟

جامعه شناسان تفسیری اگرچه امور سیاسی را پدیده هایی معنادار و ارزشی می دانند، اما صرفاً به توصیف ارزش ها و نظام های سیاسی بسنده می کنند و ملاک و معیاری برای ارزیابی علمی آنها ارائه نمی دهند.

چرا جامعه شناسی انتقادی رویکردهای تفسیری را محافظه کار می داند؟

چون نمی توانند درباره ارزش ها و هنجارهای اجتماعی داوری کنند .
هیچ راهکاری برای بهتر ساختن وضع موجود ندارند و به شرایط موجود تن می دهند.
انسان ها را نسبت به وضعیت موجود منفعل و مجبور می سازند.

جامعه شناسی انتقادی چه چیز را بن بست زندگی انسان معرفی می کند؟

آن ها یافتن راهی درباره ای داوری علمی ارزش های اجتماعی به ویژه عرصه قدرت را ضروری می دانند و دست شستن از این آرمان بزرگ را بن بست زندگی انسان معرفی می کنند.